

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۲۳ جولای ۲۰۱۶

تنظیم، تصحیح و شرح لغات: پورتال

## دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۹۷

قصائد

- ۹۳ -

## در مدح شهزاده محمود

از طارم<sup>۱</sup> شاهی<sup>۲</sup>، شه زربفت قبائی  
شد شاهد<sup>۳</sup> نورو عیان، از نُّتق<sup>۴</sup> صفر  
از طَرْف چمن ابر برانگیخت، نقابی  
از بهر صف آرائی گل‌های بهاری  
بر نُرور<sup>۵</sup> کاخ بَره<sup>۶</sup> زد، پرده سرائی  
وز اطلس پیروزه<sup>۷</sup>، بپوشید قبائی  
وز اطلس پیروزه<sup>۸</sup>، بپوشید قبائی

<sup>۱</sup> "طارم": (به فتح سوم) کلمه عربی و در معنای "خیمه" و "سراپرده"

<sup>۲</sup> ب. ماهی

<sup>۳</sup> "نُرور": کلمه عربی و در معنای "قله" یا "اوج"

<sup>۴</sup> "کاخ بره" کنایه از "بُرج حمل" است، که در عربی "بره" را "حَمَل" گویند.

<sup>۵</sup> "پرده سرا"؛ یعنی "خنیاکر دربار"

<sup>۶</sup> "شاهد" کلمه عربی و در اینجا کنایه از "عروس"

<sup>۷</sup> "نُّتق": (به ضمتین) کلمه عربی و در معنای "خیمه" و "خرگاه"

<sup>۸</sup> "وطاء": (به کسر اول) کلمه عربی و در معنای "فرش" و "بساط"

از مقدم گل خنده ز نان برق، به سوئی  
 کوتاهی شب گشت بر روز، به نسبت  
 تا از ره حُجَّت برساند، فلک پیر  
 از قرص خور و ظلّ زمین داد به تمثیل  
 گوئی نَفَسِ باد بهاری، دم عیسا است  
 یا ابر بُود خود کفِ شهزاده، که نبود  
 شهزاده جم قدرِ فلک مرتبه، محمود  
 آن ابر سخا پیشه، که باشد گه بخشش  
 خُنیاگر بزم فلک، این قطعه به مدحش  
 هر دم کند آواز، به لحنی و نوائی

<sup>۹</sup> "کُهِ" مخفف "کوه" است  
<sup>۱۰</sup> "خرقَه قاقم" کنایه از "جامه سفید" است  
<sup>۱۱</sup> "اطلس پیروزه" کنایه از "فرش سبز" است  
<sup>۱۲</sup> "رِسا" درینجا در معنای "بلند" است و "اندام رِسا"؛ یعنی "قد بلند"؛ چنان که امروز نیز مروج است